



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته ی الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث

عنوان پایان نامه

بررسی تطبیقی قرآن و نهج البلاغه در تبیین سیره ی حکومتی رهبران در جامعه

استاد راهنما :

دکتر مهرداد صفرزاده

استاد مشاور:

دکترمسعود اخوان کاظمی

نگارش:

اعظم سلطانی

شهریور ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات ، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است .

تقدیم به

خمینی کبیر(ره) ، رهبر عظیم الشانی که زنگ بیدار باش را به صدا درآورد
تا خفتگان را بیدار و خموشان را به خروش آورد.

و از نم، قطره ای ساخت و از قطره ها، رود و از رودها، اقیانوس موج، و
خود، نوح وار سکاندار کشتی نجات گشت و مردم تحت ستم را بر کشتی
نجات سوار و بر موج ایجاد شده راند و به ساحل نجات رساند و موسی وار
فرعون و فرعونیان را به کام نیستی فرستاد، چرا که خود موسوی بود و از
سلاله ی پاکان.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

تقدیر و تشکر

در سایه ی لطف پروردگار مهربانم و با کمک های بی دریغ اساتید و خانواده ی دلسوزم، کار تدوین این رساله به اتمام رسید.

در اینجا بر خود واجب می دانم که از زحمات استاد ارجمند و فرهیخته، جناب آقای دکتر مهرداد صفرزاده که مسئولیت راهنمایی اینجانب در تدوین رساله را بر عهده داشتند و همچنین استاد محترم و فرزانه، جناب آقای دکتر مسعود اخوان کاظمی در سمت مشاور رساله، مراتب قدردانی و سپاس را به جای آورم.

در ادامه لازم است که از زحمات بی شائبه ی همسر فداکار، پدر و مادر عزیز و دوستانی گرامی ای که با همکاریهای بی دریغ خود، زمینه ی موفقیت مرا فراهم آوردند، کمال تشکر را داشته باشم.

در پایان دست یکایک این عزیزان را می بوسم و از درگاه خداوندمنان برای ایشان، نهایت کمالات و علو درجات را خواستارم.

چکیده

این رساله با عنوان «بررسی تطبیقی قرآن و نهج البلاغه در تبیین سیره ی حکومتی رهبران جامعه» در صدد است که نظرات قرآن و نهج البلاغه را در این زمینه مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور فصل اول رساله به کلیات و فصل دوم به مفهوم شناسی برخی از لغات و اصطلاحات به کار رفته در رساله، اختصاص یافت. در فصل سوم به بررسی سیره ی حکومتی رهبران جامعه در سیاست داخلی پرداخته شد و اصولی همچون آمیختن دینت و سیاست، رعایت اصول اخلاقی، عدم استبداد و خودکامگی، وحدت بخشی، مردم‌داری، تأمین امنیت و آزادی مردم و... مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که با توجه به یگانگی هدف کلی دین، سیاست و اخلاق، این سه مقوله از هم جدا نبوده و رهبران جامعه باید در سیاست خود به آموزه های دین اسلام و اصول اخلاقی پایبند باشند. همچنین رهبران جامعه باید حکومت را همچون امانتی در دست خود داشته و از ظلم و استبداد پرهیز نمایند و زمینه های مشارکت سیاسی مردم را فراهم آورند. گزینش کارگزاران حکومتی بر اساس معیارهای صحیح و کنترل و نظارت بر عملکرد آنها، از دیگر نتایج حاصل از این فصل بود. در فصل چهارم سیره ی حکومتی رهبران در اقتصاد مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل گردید که رهبران جامعه باید از بیت المال به دقت پاسداری کرده و در جهت برقراری عدالت اقتصادی و توازن ثروت در جامعه بکوشند. مبارزه با فقر و مفاسد اقتصادی همچون ربا، احتکار و اختلاس از دیگر برنامه های اقتصادی رهبران در جامعه است. در فصل پنجم سیره ی رهبران جامعه در تعلیم و تربیت همگان مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل گردید که با توجه به الگوپذیری شدید مردم از حاکمان و زمامداران خود، رهبران جامعه باید خود اسوه و الگویی نیکو برای مردم باشند و در جهت تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت، اعتلاء سطح فهم و بصیرت مردم و خیرخواهی برای آنها بکوشند.

در آخرین فصل نیز به سیره ی حکومتی رهبران جامعه در سیاست خارجی، پرداخته شده و این نتیجه حاصل شد که رهبران جامعه باید اصل دعوت به توحید و جهاد با طاغوت را مورد توجه قرار داده و مبنای روابط خود با دیگر جوامع را، بر اساس صلح و دوستی، تولی و تبری قرار دهند و از برقراری هرگونه رابطه ای که منجر به تسلط بیگانگان بر جامعه ی اسلامی شود، اجتناب نمایند.

کلید واژه ها: قرآن، نهج البلاغه، رهبران جامعه، سیره ی حکومتی، اقتصاد، سیاست خارجی.

پیشگفتار

با سلام و تحیات به پیشگاه مقدس و ملکوتی آقا امام زمان (عج) که با ظهورش جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. رهبری یک جامعه، به عنوان مسئولیتی کلیدی و حساس، چارچوب‌ها، معیارها و اصولی دارد که رهبر جامعه باید این اصول و ضوابط را در حوزه‌ی تحت مدیریت خویش رعایت کرده و هیچگاه از آنها تخطی نکند. درقرآن مجید و روایاتی که از ائمه‌ی معصومین (ع) به دست ما رسیده، مطالب ارزنده‌ای در زمینه‌ی رهبری جوامع و هدایت آن توسط انبیاء و تشکیل حکومت‌ها، لزوم مقابله با فراعنه و ظالمین، جهاد فی سبیل الله، برقراری عدالت اجتماعی، امنیت و... به میان آمده است که نشان دهنده‌ی توجه اسلام به این امر- حکومت و زمامداری- می باشد.

«نهج البلاغه» به عنوان گزیده‌ی سخنان امام علی (ع)، با توجه به اینکه بیشترین بخش آن مربوط به دوران زمامداری آن حضرت می باشد، حاوی برجسته‌ترین مسائل سیاسی و حکومتی و اندیشه‌های غنی اسلام می باشد. مطالعه‌ی این سند و منشور سیاسی امام، هر محقق‌ی را با ژرفای اندیشه‌های سیاسی امام آشنا می کند و هر متفکری را بر ساحل این اقیانوس بی کران متحیر می سازد و شیوه‌ی راستین رهبری را می آموزد و راز و رمزهای سیاست و حکومت را آشکار می کند و چهره‌ی سیاست‌بازان دغل‌باز و فریبکار را افشا می سازد. از میان سخنان حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، نامه‌ی تاریخی حضرت به مالک اشتر که به منشور حکومتی معروف است، حاوی مطالب و نکات عمیق و دقیقی در زمینه‌ی روش حکومت و زمامداری جامعه می باشد که در این رساله سعی شده است که این نامه بیشتر مورد استناد قرار بگیرد.

لازم به ذکر است که در این رساله به بحث پیرامون «سیره‌ی حکومتی رهبران جامعه» آنگونه که باید باشند، پرداخته شده است و از گردآوری مطالبی که در زمینه‌ی حکومتداری رهبران فاسد و ظالم است به دلیل جلوگیری از اطاله‌ی مطلب، صرف نظر شده است؛ هر چند فواید عبرت‌آموزی از راه و روش بدکاران نیز غیرقابل انکار است.

ترتیب نوشتن مطالب رساله به این صورت است که ابتدا آیات قرآن را در زمینه‌ی مورد بحث آورده و سپس فرازهایی از نهج البلاغه که مرتبط و تا حدود زیادی منطبق بر آیات مذکور، تشخیص داده شده، به عنوان شواهدی برای اثبات ادعا نقل شده است.

امید است که این رساله و رساله‌های دیگر که در زمینه‌ی تبیین دیدگاه اسلام در زمینه‌ی حکومت و حکومتداری به رشته‌ی تحریر در آمده است، کمکی هر چند ناچیز به اداره‌ی هر چه بهتر جوامع اسلامی باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۲	فل اول : کلیات
۳	۱-۱ بیان مسأله.....
۳	۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴	۳-۱ سؤالات تحقیق.....
۴	۴-۱ روش تحقیق.....
۴	۵-۱ پیشینه ی تحقیق(موضوع).....
۶	فصل دوم: مفهوم شناسی سیره حکومتی رهبران در جامعه
۷	۱-۲ معنا و مفهوم سیره.....
۷	۲-۲ سیره در لغت.....
۷	۳-۲ سیره در اصطلاح.....
۸	۴-۲ حکومت در لغت.....
۸	۵-۲ حکومت در اصطلاح.....
۹	۱-۵-۲ تقسیم بندی حکومت بر حسب جهان بینی.....
۹	۶-۲ سیاست در لغت.....
۹	۷-۲ سیاست در اصطلاح.....
۱۰	۸-۲ رهبر در لغت و اصطلاح.....
۱۰	۱-۸-۲ واژه های مترادف رهبر.....
۱۰	۱-۱-۸-۲ امام.....
۱۰	۲-۱-۸-۲ هادی.....
۱۱	۳-۱-۸-۲ پیامبر.....
۱۱	۴-۱-۸-۲ خلیفه.....
۱۱	۵-۱-۸-۲ ولی فقیه(فقیه جامع الشرایط).....
۱۲	۶-۱-۸-۲ امیر.....
۱۲	۷-۱-۸-۲ راعی.....
۱۲	۸-۱-۸-۲ والی.....
۱۲	۹-۱-۸-۲ ولی(اولی الامر).....

۱۳.....	۹-۲ جامعه.....
۱۴.....	فصل سوم: سیره حکومتی رهبران در سیاست داخلی
۱۵.....	مقدمه.....
۱۶.....	۱-۳ آمیختن سیاست و دیانت (نفی سکولاریسم).....
۱۹.....	۱-۳-۱ رفع یک شبهه.....
۲۰.....	۲-۳ رعایت اصول اخلاقی (اصولگرایی - نفی ماکیاولیسم).....
۲۲.....	۱-۲-۳ پایبندی به اصل «سلامت وسیله و هدف».....
۲۴.....	۲-۲-۳ عدم مدهانه و مصانعه.....
۲۵.....	۱-۲-۲-۳ مدارا آری ، اما مدهانه هرگز.....
۲۶.....	۳-۳ عدم استبداد و خودکامگی.....
۲۷.....	۱-۳-۱ امانت دانستن حکومت و قدرت.....
۲۹.....	۲-۲-۳ تشویق مردم به مشارکت در امور سیاسی.....
۲۹.....	۱-۲-۳-۱ مشورت با نخبگان.....
۳۴.....	۲-۲-۳-۲ انتقاد پذیری (ایجاد فضای باز سیاسی).....
۳۸.....	۱-۲-۲-۳-۳ رفع یک شبهه.....
۳۹.....	۲-۲-۲-۳-۳ سعه ی صدر.....
۴۰.....	۴-۳ شفاف سازی (ابهام زدایی).....
۴۴.....	۵-۳ داشتن جاذبه و دافعه (رحمت و خشونت).....
۴۸.....	۶-۳ استقرار وحدت در جامعه.....
۵۰.....	۷-۳ مردمی بودن (ارتباط نزدیک و بدون واسطه با مردم).....
۵۳.....	۸-۳ گزینش، نظارت و کنترل کار گزاران.....
۵۳.....	۱-۸-۳ گزینش کار گزاران حکومتی.....
۵۴.....	۱-۱-۸-۳ علم و قدرت.....
۵۶.....	۲-۱-۸-۳ وثاقت (امانتداری).....
۵۷.....	۳-۱-۸-۳ حسن سابقه.....
۵۸.....	۱-۳-۱-۸-۳ رفع یک شبهه.....
۵۹.....	۲-۸-۳ نظارت و کنترل کار گزاران حکومتی.....
۶۰.....	۱-۲-۸-۳ تقویت روحیه ی «خودکنترلی» در کار گزاران.....
۶۲.....	۲-۲-۸-۳ استفاده از بازرسان ویژه.....
۶۳.....	۳-۲-۸-۳ تشویق مردم به نظارت همگانی.....

۶۴.....	۴-۲-۸۳ پیگیری نتایج نظارت و ارزیابی
۶۷.....	۹-۳ برقراری امنیت در جامعه
۷۰.....	۱-۹-۳ اجرای عدالت (ظلم ستیزی)
۷۱.....	۲-۹-۳ تأمین آزادی شهروندان (پرهیز از استبداد و اجبار)
۷۳.....	۳-۹-۳ برخورد قاطع با مفسدان و فتنه انگیزان
۷۴.....	۴-۹-۳ صلح طلبی
۷۶.....	فصل چهارم: سیره حکومتی رهبران در اقتصاد
۷۷.....	مقدمه
۷۷.....	۱-۴ پاسداری از بیت المال
۷۸.....	۲-۴ جمع آوری مالیات ها
۸۰.....	۳-۴ فقرزدایی
۸۱.....	۱-۳-۴ ایجاد توازن اقتصادی (جلوگیری از تمرکز ثروت)
۸۳.....	۲-۳-۴ برقراری عدالت اقتصادی
۸۵.....	۳-۳-۴ ترویج فرهنگ ساده زیستی (جلوگیری از تجمل گرایی و اسراف)
۸۷.....	۴-۳-۴ مبارزه با مفاسد اقتصادی
۸۷.....	۱-۴-۳-۴ مبارزه با رباخواری
۸۸.....	۲-۴-۳-۴ مبارزه با احتکار
۸۹.....	۳-۴-۳-۴ مبارزه با سرقت و اختلاس
۹۱.....	فصل پنجم: سیره حکومتی رهبران در تعلیم و تربیت
۹۲.....	مقدمه
۹۲.....	۱-۵ اسوه و الگو بودن رهبر جامعه برای همه ی مردم
۹۴.....	۲-۵ تزکیه ، و تعلیم کتاب و حکمت
۹۷.....	۳-۵ هدایت جامعه به سوی فضایل اخلاقی و کمال حقیقی
۹۸.....	۴-۵ اعتلا سطح فهم، در و بصیرت مردم
۹۹.....	۵-۵ نصیحت کردن مردم
۱۰۲.....	فصل ششم: سیره حکومتی رهبران در سیاست خارجی
۱۰۳.....	مقدمه
۱۰۳.....	۱-۶ دعوت به توحید (جهاد بر علیه طاغوت)
۱۰۶.....	۲-۶ قاعده ی نفی سیل (نفی سلطه ی بیگانگان)
۱۰۸.....	۳-۶ تولی و تبری

- ۱۱۰.....۴-۶ صلح دوستی و پایبندی به معاهدات
- ۱۱۳.....۴-۶-۱ رفع یک شبهه
- ۱۱۵..... نتیجه گیری
- ۱۱۶..... پیشنهادات
- ۱۱۷..... فهرست منابع و مآخذ
-چکیده (انگلیسی)

۱-۱ بیان مسأله

این رساله با عنوان «بررسی تطبیقی قرآن و نهج البلاغه در تبیین سیره ی حکومتی رهبران جامعه» درصدد است که به بررسی تطبیقی راه و روش حکومت و زمامداری از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه بپردازد و برای این منظور آیاتی از قرآن مجید و فرازهایی از نهج البلاغه را که در زمینه ی موضوع مورد بحث آمده است، گردآوری و میزان تأثیرپذیری مولای متقیان علی(ع) از رهنمودهای ارزنده ی قرآن کریم بیان شده است.

۲-۱ اهمیت و ضرورت مسأله

دین اسلام یک دین کامل و همه جانبه است که برای همه ی امور زندگی انسان، برنامه ها و دستورالعمل های جامعی دارد. یکی از ابعاد زندگی انسان، بعد اجتماعی اوست که سیاست و حکومت در زیر مجموعه ی این بعد قرار می گیرد. مطالعات انسانی و پژوهشهای جامعه شناسانه، این موضوع را به اثبات رسانده است که یکی از عوامل ترقی و تعالی ملت ها در زمینه های گوناگون زندگی، وجود رهبران آگاه و باکفایتی بوده است که توانسته اند از امکانات موجود و حتی اندک، به بهترین شکل استفاده کنند و در نهایت پیروزی و موفقیت را برای آن مردم به ارمغان بیاورند. در مقابل ملت‌هایی هم وجود داشته اند که به گواه اسناد غیرقابل انکار تاریخی، با بیشترین و بهترین امکانات نتوانسته اند خود را به نقطه ی مطلوب برسانند و هر روز که بر آنان گذشته است، فلاکت و وابستگی شان افزون یافته است. مهمترین عامل انحطاط این ملت‌ها نیز وجود رهبران ضعیف و بی کفایت بوده است؛ رهبرانی که توانایی و درایت لازم را برای حکومت، زمامداری و بهره مندی از امکانات نداشته اند. گویاترین و بهترین نمونه برای درک واقعی نقش رهبری و مدیریت در سرنوشت ملت‌ها، تاریخ اعراب جاهلیت و ظهور پیامبر اسلام(ص) و عظمت های فراوان مسلمانان می باشد. خداوند متعال از میان جامعه ی جاهلی عرب، شخصیتی را به رسالت برانگیخت تا رهبری و مدیریت این جامعه ی منحط را بر عهده گیرد و با منطق نیرومند، پیام توحید و تقوا را به آنان برساند و در پناه برنامه های آسمانی، عزت، عدالت، آزادی و امنیت را جایگزین همه ی پستی ها، ذلت ها و رعب و وحشت ها نماید.

بنابراین با توجه به نقش عظیم و برجسته ی رهبران در سعادت و یا شقاوت ملتها و جوامع، ضرورت بحث و مطالعه در زمینه ی «سیره ی حکومتی رهبران در جوامع» کاملاً روشن خواهد شد و از طرفی با توجه به اینکه در چند قرن اخیر، عده ای همواره درصدد بوده اند که رهنمودهای اسلام را در زمینه ی شیوه ی سیاست و حکومتداری، انکار کنند و چنین وانمود نمایند که اسلام دین جامعی نیست و برای نحوه ی حکومتداری و زمامداری هیچ قانون و برنامه ای نیاورده است و آنچه در اسلام مطرح است فقط راجع به زندگی فردی و احکام عبادی است و بدین ترتیب تلاش کنند که اسلام را از صحنه ی سیاست و حکومت کنار بگذارند، ضرورت بحث در این مسئله - تحقیق پیرامون سیره ی حکومتی رهبران جامعه، با تأکید بر آیات قرآن و فرمایشات گهربار حضرت علی(ع) در نهج البلاغه - دو چندان به نظر می رسد.

۳-۱ سؤالات تحقیق

- ۱- اصولی که رهبران جامعه در زمینه ی سیاست داخلی باید مورد توجه قرار دهند، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه کدامند؟
- ۲- سیره ی حکومتی رهبران جامعه در اقتصاد، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چگونه باید باشد؟
- ۳- سیره ی حکومتی رهبران جامعه در تعلیم و تربیت، از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چگونه باید باشد؟
- ۴- اصولی که رهبران جامعه در زمینه ی سیاست خارجی باید مورد توجه قرار دهند از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه کدامند؟

۴-۱ روش تحقیق

از آنجا که موضوع این رساله «بررسی تطبیقی قرآن و نهج البلاغه در تبیین سیره حکومتی رهبران جامعه» می باشد، در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و برای جمع آوری اطلاعات از فن کتابخانه ای استفاده گردیده است.

۵-۱ پیشینه ی تحقیق

درباره ی سیستم حکومت اسلامی، ویژگیها و برنامه های آن، وظایف حاکم، سیره ی حکومتی رهبران و دیگر مباحث مربوط به زمامداری در اسلام، از طرف نویسندگان و متفکران اسلامی، کتب جامع و کافی تألیف نگردیده است و اساساً درباره ی این مسأله ی حیاتی کمتر بحث شده است و در نتیجه برای

جویندگان، همچنان یک خلأ فکری باقی مانده است. برخی از کتب ارزنده ای که در تألیف این رساله مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از:

۱- «مبانی اندیشه ی سیاسی اسلام» از استاد گرانقدر آقای عباسعلی عمید زنجانی. این کتاب دارای هشت فصل است که در فصل اول پیرامون کلیات یعنی پدیده های سیاسی و اندیشه های سیاسی اسلام، دیدگاههای فلسفی و اسلامی و تجربی پیرامون مباحث سیاسی می پردازد و در فصلهای دیگر به رابطه ی میان دین و دولت، مقایسه ی اندیشه های سیاسی غرب و اسلام، اندیشه ی سیاسی در متون اسلامی (که شامل قرآن و موضع گیریهای سیاسی ائمه(ع) می باشد)، نقش بنیادی قدرت سیاسی و عوامل شکل گیری آن و در پایان به مسأله ی حقوق بشر در اندیشه ی سیاسی اسلام می پردازد.

۲- «پیام امام، شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه» تألیف استاد گرانقدر آقای ناصر مکارم شیرازی. این کتاب که دارای چندین جلد است، به شرح خطبه ها و نامه های نهج البلاغه پرداخته است و با بیانی بسیار شیوا و کامل، سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه را شرح داده است و در برخی موارد آیاتی از قرآن را که برای شرح مطالب لازم دانسته، برای تفهیم بیشتر مطلب آورده است.

۳- «تفسیر نمونه»، تألیف جناب آقای مکارم شیرازی و همکاران. این تفسیر که تفسیری اجتماعی است، با بیانی بسیار شیوا و بی تکلف به شرح و توضیح آیات در ابعاد سیاسی و اجتماعی آنها پرداخته و سعی نموده است که تفسیر آیات را با مسائل روز منطبق کند.

۴- «حکمت اصول سیاسی اسلام»، تألیف استاد گرانقدر آقای محمدتقی جعفری. این کتاب شرح و تفسیر نامه ی ۵۳ نهج البلاغه یعنی عهدنامه ی مالک اشتر می باشد. نویسنده با بیانی فلسفی به شرح این نامه می پردازد و در بسیاری از موارد، آیاتی از قرآن مجید را که متناسب با موضوع مورد بحث است، به عنوان شاهد برای اثبات ادعای خود آورده است که این یکی از امتیازات بسیار خوب این کتاب می باشد.

۵- «مبانی سیاست در اسلام»، تألیف آقای عیسی ولایی. این کتاب شامل بیست و یک بخش است که به طور گسترده و مشروح به بیان دیدگاه اسلام (شامل قرآن و روایات به خصوص نهج البلاغه) پیرامون حکومت و سیاست و اصولی که حاکمان و زمامداران در روش حکومتی خود باید مورد توجه قرار دهند، پرداخته است و به طور مبسوط دیدگاه اسلام را در زمینه ی سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد، قضاوت و... به رشته ی تحریر در آورده است.

۲-۱ معنا و مفهوم سیره

۲-۲ سیره در لغت

- سیره: در لغت به معنای: سیرت، شیوه رفتار، خلق و خو، روش و طریقه^۱ و در جایی دیگر در بیان مفهوم لغوی «سیره» چنین آمده است: «سیره در زبان عربی از ماده ی «سیر» است. «سیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. «سیره» یعنی نوع راه رفتن. سیره بر وزن فَعْلَة است و فَعْلَة در زبان عربی دلالت بر نوع می کند. مثلاً جِلْسَة یعنی سبک و نوع نشستن و این نکته ی دقیقی است. سیر یعنی رفتن، رفتار ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار.»^۲

۲-۳ سیره در اصطلاح

«سیره عبارتست از سبک و اسلوب و متد خاصی که افراد صاحب اسلوب و سبک و منطبق در سیر خودشان به کار می برند. همه ی مردم سیر دارند ولی همه ی مردم سیره ندارند؛ یعنی اینچنین نیست که همه ی مردم در رفتار خودشان از یک منطبق خاص پیروی کنند و یک سلسله اصول در رفتار خودشان داشته باشند که آن اصول معیار رفتار آن ها باشد...»^۳.

۲-۴ حکومت در لغت

- حکومت: در لغت به معنای: «حکم دادن، فرمان دادن، فرمانروایی کردن بر یک شهر یا یک کشور و اداره کردن شئون اجتماعی و سیاسی مردم»^۴ و «پادشاهی کردن، سلطنت و قضاوت کردن»^۵، آمده است.
- حکومتی: «منسوب و متعلق به حکومت»^۶

^۱ - انوری، حسن، «فرهنگ بزرگ سخن»، ج ۵، ص ۴۳۶۴، ذیل کلمه «سیره».

^۲ - مطهری، مرتضی، «سیری در سیره ی نبوی»، ص ۴۵.

^۳ - همان، ص ۵۷.

^۴ - عمید، حسن، «فرهنگ عمید»، ج ۲، ص ۹۵۳، ذیل کلمه «حکومت».

^۵ - معین، محمد، «فرهنگ فارسی»، ج اول، ذیل کلمه «حکومت».

^۶ - همان.

۵-۲ حکومت در اصطلاح

«حکومت در اصطلاح جدید بر معانی مختلفی اطلاق می شود. گاهی واژه ی حکومت بر تمامی سازمانهای حاکم بر یک کشور اطلاق می شود که در این صورت شامل تمامی قوه های مقننه، مجریه و قضاییه می شود. گاهی مقصود از واژه حکومت، «روش به کارگیری قدرت و اعمال حاکمیت» می باشد که در این صورت مقصود از حکومت، سیستم حکومتی جامعه است.»^۱ که البته در این رساله همین معنا مورد نظر است.

۵-۲-۱ تقسیم بندی حکومت بر حسب جهان بینی

«حکومت ها بر حسب جهان بینی به دو نوع ؛ حکومت الهی و طاغوتی تقسیم می شوند.»^۲

الف) حکومت الهی

«در این حکومت منبع قانون ، خداوند است که بر اساس حکمت ، مصالح و شناختی که از ابعاد وجودی انسان دارد، تشریح می کند و حکومت امانتی در دست حاکمان به شمار می آید. در حکومت الهی، حاکم باید از مدیریت و علم به قوانین الهی برخوردار باشد تا جامعه را بر طبق قوانین الهی اداره کند. در حکومت الهی، حاکمیت از آن خداوند است و همه افراد از جمله پیامبر(ص) ، ائمه معصوم(ع) و در عصر غیبت ، حاکمان اسلامی، مطیع خداوند و اجراکننده ی قوانین و احکام الهی هستند و کار ویژه ی حکومت صرفاً ایجاد امنیت و یا رفاه نیست بلکه حاکم و رهبر جامعه ی اسلامی ، نقش هدایت جامعه از گمراهی به سوی آرمان های الهی را نیز دارد...»^۳

ب) حکومت غیر الهی (طاغوتی)

«نظام های سیاسی مبتنی بر اومانیسم که حاکمیت را از آن انسان می دانند، در هر شکلی که تجلی یابد، طاغوتی است ؛ چرا که انحراف از قوانین اسلامی و تجاوز به حق ربوبیت الهی، طغیان و ظلم محسوب می شود.»^۴

^۱ - القرشی، باقر شریف، «نظام حکومتی و اداری در اسلام»، ج ۱، ص ۱۰۱.

^۲ - نوروزی، محمد جواد، «فلسفه ی سیاست»، قم؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ نهم، ۱۳۸۴. ش، ص ۱۱۰.

^۳ - همان.

^۴ - همان، ص ۱۱۱.

۲-۶ سیاست در لغت

«واژه ای عربی و از ریشه ی «ساس - یسوس» گرفته شده است. در لغت به معنای حکومت، ریاست، امر و نهی، سزا و تنبیه، پرورش و پروراندن و پرداختن به امور مردم بر طبق مصالحشان، آمده است.»^۱

۲-۷ سیاست در اصطلاح

واژه ی «سیاست» در اصطلاح تعریف های گوناگونی را می پذیرد ولی جامع ترین تعریفی که از آن صورت گرفته عبارت است از: «مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان ها در مسیر حیات معقول.»^۲ «سیاست با نظر به این تعریف، همان پدیده ی مقدسی است که اگر به طور صحیح انجام بگیرد، با ارزش ترین و با حداقل یکی از با ارزشترین تکاپوهای انسانی است که در هدف بعثت پیامبران الهی منظور شده و عالی ترین کار و تلاشی است که یک انسان دارای شرایط می تواند انجام دهد.»^۳

۲-۸ رهبر در لغت و اصطلاح

«رهبر: آنکه راهنمایی و هدایت گروه یا جامعه ای را بر عهده دارد.»^۴ و در جایی دیگر آمده است: «رهبر کسی است که سبب تسهیل حرکت گروه در نیل به هدف می شود. به عبارت دیگر وی آسانگیر نیل به مقصود است، راهنمای دستگیر است، تنها راه را نمی نماید بلکه وسایل طی آن و رسیدن به فرجام آن را نیز فراهم می آورد، شیعه همچنانکه نبوت و امامت را از جانب خدا می داند، رهبری دینی را نیز از جانب خدا می داند و در این جهت میان راهنمای دینی و رهبری تفکیک نمی کند، پیامبران بزرگ هم راهنما بوده اند و هم رهبر.»^۵ رهبری، عبارتست از «فرآیند پیشبرد گروهی از مردم در راهی روشن و برنامه ریزی شده با انگیزش آنان به فعالیت آزادانه و با اختیار.»^۶

۱ - دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، ذیل واژه ی «سیاست».

۲ - جعفری، محمدتقی، «حکمت اصول سیاسی اسلام»، ص ۴۷.

۳ - همان.

۴ - انوری، حسن، «فرهنگ بزرگ سخن»، ج ۴، ص ۳۷۶۱، ذیل کلمه «رهبر».

۵ - مطهری، مرتضی، «امامت و رهبری»، ص ۲۹.

۶ - الطالب، هشام، «مدیریت و رهبری در تشکل های اسلامی»، ص ۷۰.

«در اسلام رهبری مساوی است با خدمت و رهبر هر گروه کوچک یا بزرگ باید کمر به خدمت زبردستان ببندد و آنها را در راه حرکت به پیش یاری کند؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) می فرماید: رهبر هر گروه خدمتگزار آن هاست.»^۱

۸-۲-۱ واژه های مترادف «رهبر»

در متون اسلامی ما الفاظی وجود دارند که از نظر معنا و مصداق، گاهی به جای رهبر به کار می روند، برخی از این الفاظ عبارتند از:

۸-۲-۱-۱ امام

از کلمه ی امام معانی نزدیک به هم در فرهنگ های لغت ارائه شده است که می توان از بین آن ها به «پیشوای مسلمانان»^۲ و «پیشوا و رهبر»^۳ اشاره کرد و در اصطلاح به معنای «پیشوایی و زمامداری در تمام امور دینی و دنیوی»^۴ می باشد.

«واژه ی امام به خودی خود قداستی ندارد؛ از این رو در قرآن هم درباره ی پیشوایان و رهبران مشروع و هم نامشروع هر دو به کار می رود»^۵ «وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»^۶ «وَجَعَلْنَا هُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۷

۸-۲-۱-۲ هادی

«به معنای هدایت کننده، یکی دیگر از واژه های مترادف رهبر می باشد که برخی از آیات کریمه ی قرآن نیز آن را تأیید می کند: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۸ گویای رهبری آسمانی پیامبر عظیم الشان اسلام است.»^۹

۱- ویسی، غلامرضا و سوادی، محمدعلی، «رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی»، ص ۱۱۹.

۲- دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه ی دهخدا»، ج ۱، ص ۴۲۷، ذیل واژه امام.

۳- بهشتی، محمد، «فرهنگ صبا»، ص ۹۷.

۴- امینی، ابراهیم، «بررسی مسائل کلی امامت»، ص ۲.

۵- موسوی، سیدمحمد، «نظام سیاسی و دولت در اسلام»، ص ۱۳۶.

۶- انبیاء/ ۷۳

۷- قصص/ ۴۱

۸- رعد/ ۷

۹- جوادی آملی، عبدالله، «پیرامون وحی و رهبری»، ص ۱۱۴.

۲-۱-۳-۳ پیامبر

«باتوجه به آیات قرآن^۱، پیامبران بزرگترین رهبران جوامع انسانی بوده اند که از طرف خداوند جهت هدایت تمام امور دینی و دنیوی مردم به پیامبری مبعوث شده اند. بنابراین در این حقیقت که پیامبران بزرگوار الهی، رهبرانی هستند که تمام آن‌ها را بدون استثناء خداوند تعیین کرده است، اختلافی وجود ندارد. پس اولین حاکمان و رهبران الهی، پیامبران هستند که از طرف خدا برای این کار برگزیده شده اند و اولین حکومت‌ها را در تاریخ تشکیل داده اند.»^۱

۲-۱-۳-۴ خلیفه

«در روایات آمده است که پیامبر(ص) فرمود: «اللَّهُمَّ إِرْحَمْ خُلَفَائِي...»^۲ که بنابه تصریح بسیاری از اندیشمندان اسلامی، خلفا جمع خلیفه به معنای جانشینان پیامبر(ص) می باشد که همان فقهای جامع الشرایط می باشند. همانطور که اداره و رهبری جامعه از وظایف پیامبر(ص) می باشد فقها هم به حکم این روایت و روایات دیگر، حاکمان جامعه اسلامی می باشند، زیرا کسی را جانشین فردی می گویند که بتواند به جای او مسئولیت‌ها و وظایف او را انجام دهد.»^۳

۲-۱-۵ ولی فقیه (فقیه جامع الشرایط)

«بنابر روایاتی که از جانب معصومین(ع) رسیده است در عصر غیبت، وظیفه‌ی رهبری و اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی بر عهده‌ی کسانی است که در اصطلاح «فقیه» نامیده میشوند و او کسی است که در اصول و مفاهیم شریعت آنچنان تبحر و مهارت پیدا کرده است که می تواند بر اساس مبانی اسلام، ادامه دهنده‌ی راه انبیاء و اولیاء الهی باشد و جامعه را هدایت کند.»^۴ حدیث ذیل که از پیامبر(ص) روایت شده است از احادیثی است که این ادعا را ثابت می کند: «الْفُقَهَاءُ أُمَنَاءُ الرَّسُلِ...»^۵ «فقها امین و امانتدار پیامبران هستند...»

امام خمینی(ره) امانت را در این حدیث همان حکومت و رهبری معنا کرده است: « فقیه عادل همه‌ی اختیاراتی را که پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) در امر سیاست و حکومت دارا بودند، دارد؛ همانطوری که پیغمبر اکرم(ص) مأمور اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام است و خداوند او را رئیس و حاکم مسلمین قرار داده

^۱ - ر.ک به آیات: حدید/۲۵، بقره/۱۲۴، مائده/۵۵، ص/۲۶، نساء/۵۹ و... .

^۱ - «حکومت اسلامی و ولایت فقیه»، ص ۴۶.

^۲ - صدوق، محمد بن علی بن بابویه، «عیون اخبار الرضا»، ج ۲، ترجمه علی اکبر غفاری، ص ۳۷.

^۳ - «حکومت اسلامی و ولایت فقیه»، ص ۵۱.

^۴ - قیانچی، صدرالدین، «اندیشه‌های سیاسی شهید محمد باقر صدر»، ص ۶۴.

^۵ - مجلسی، محمد باقر، «بحار الانوار»، ج ۲، ص ۳۶.

و اطاعتش را واجب شمرده است، فقهای عادل هم بایستی رئیس و حاکم باشند و اجرای احکام کنند و نظام اجتماعی اسلام را رهبری کنند.^۶

۲-۱-۸-۱۶ امیر

حضرت علی(ع) می فرماید: «... وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...»^۱ یعنی «مردم ناگزیر از داشتن فرمانروایند چه نیکوکار باشد و چه ستمکار...» در این روایت، حضرت علی(ع) از رهبر و فرمانروا به «امیر» یاد کرده است.

۲-۱-۸-۱۷ راعی

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ رهبر جامعه اسلامی را «راعی» گویند، زیرا در تمام مراحل و مشکلات از مردم حراست و حفاظت می کند که مبادا فساد و زیانی متوجه آنان گردد.»^۲

۲-۱-۸-۱۸ والی

«حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَةِ...»^۳ در نهج البلاغه، امام علی(ع) در بسیاری از موارد به جای حاکم و رهبر جامعه، تعبیر به «والی» کرده است. «به حاکم اسلامی از آنرو «والی» گویند که مصالح امت را سرپرستی می کند.»^۴

۲-۱-۸-۱۹ ولی الامر (اولی الامر)

«به معنی صاحبان امر و به معنی کسانی است که فرمان حکومت را به دست دارند و مسئولیت اداره ی جامعه را به عهده گرفته اند. مفسران شیعه عموماً اولی الامر را همان ائمه معصومین دانسته اند که در زمان غیبت، همان فقهای عالم عادل هستند که زمامدار جامعه ی اسلامی و متصدیان رهبری می باشند.»^۵

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»^۶

^۶ - خمینی، روح الله، «ولایت فقیه»، صص ۶۰ و ۶۱.

^۱ - دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، ص ۹۲، خطبه ی ۴۰.

^۲ - ولایی، عیسی، «مبانی سیاست در اسلام»، ص ۲۶۷.

^۳ - دشتی، محمد، «ترجمه ی نهج البلاغه»، ص ۴۴۲، خطبه ۲۱۶.

^۴ - ولایی، عیسی، «مبانی سیاست در اسلام»، ص ۲۶۷.

^۵ - حداد عادل، غلامعلی، «درسهایی از قرآن»، ص ۲۷۳.

^۶ - نساء/۵۹.

«امام خمینی (ره) می فرمایند: «در آیه ی مبارکه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنكُمْ... اطاعت از «ولی امر» واجب شمرده شده است. «اولی الامر» بعد از رسول اکرم (ص) ائمه ی اطهارند که متصدی چند وظیفه یا مقام هستند... پس از ایشان فقهای عادل عهده دار این مقامات هستند.»^۷

برخی دیگر از واژه های مترادف رهبر، عبارتند از «قیم، رئیس حکومت»^۱ و «سلطان، حاکم، مَلِک»^۲ و «سائس، مدیر اجتماع»^۳ که در این رساله در برخی موارد از واژه های فوق الذکر به جای رهبر استفاده شده است.

۹-۲ جامعه

«جامعه مفهومی اساسی در دانش جامعه شناسی است و آن را بدین گونه تعریف کرده اند: گروهی از انسانها که زندگی و آداب و رسوم مشترک و عادت های موروثی یکسانی دارند و از یک قدرت یا ساختار حکومتی فرمان می برند، جامعه نامیده می شوند.»^۴

استاد شهید مرتضی مطهری، تعریف ذیل را از جامعه اختیار کرده است: «مجموعه ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می دهند.»^۵

^۷ - خمینی، روح الله، «ولایت فقیه»، صص ۲۷ و ۲۸.

^۱ - ر.ک: فتحعلی، محمود، «مبانی اندیشه اسلامی»، صص ۱۸۶ و ۱۸۵.

^۲ - ر.ک: ولایی، عیسی، «مبانی سیاست در اسلام»، ص ۲۶۷.

^۳ - مطهری، مرتضی، «امامت و رهبری»، صص ۴۸ و ۴۹.

^۴ - الصفار، سالم، «سیره پیامبر (ص) در رهبری و انسان سازی»، ص ۱۰۲.

^۵ - مطهری، مرتضی، «جامعه و تاریخ»، ص ۳۱۳.